

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال عراق از منظر موازنه تهدید (۲۰۱۸-۲۰۰۳)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۱۲

ایوب منتی^۱*

ناصر هادیان^۲

چکیده

بیشتر تحلیل‌گران غربی به ویژه آمریکایی، عمدتاً از منظر واقع‌گرایی تهاجمی به سیاست خارجی ایران در عراق می‌نگرند. این نویسندگان اهداف و راهبردهای سیاست خارجی ایران را بیشینه‌سازی قدرت در راستای هژمونی منطقه‌ای، شدیداً فرقه‌گرایانه و تهاجمی ارزیابی می‌کنند. مقاله حاضر برخلاف رویکرد فوق، از دریچه موازنه تهدید «استیون والت» به سیاست خارجی ایران در عراق از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۸ می‌نگرد. آنچه راهبرد اصلی سیاست خارجی ایران در قبال عراق را شکل داده است، پاسخ به تهدیداتی بوده است که در دو سطح خارجی- غیر عراقی و عراقی، منافع و امنیت ملی ایران را هدف قرار می‌داد. این تهدیدات در سطح غیرعراقی به حضور نظامی آمریکا در عراق و در پیش‌گیری سیاست تغییر رژیم در قبال ایران باز می‌گشت. در سطح عراقی نیز، شکل‌گیری دوباره یک دولت تهدیدساز در بغداد یا دولتی وابسته به آمریکا و امکان تجزیه کشور در اثر گرایش‌های تجزیه‌طلبانه کردها و ظهور داعش، از جمله نگرانی‌های مقامات تهران بودند. این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود در قبال تحولات داخلی عراق پس از سقوط صدام، چه اهدافی را دنبال نموده است؟ مقاله ضمن بهره‌گیری از آمارها و داده‌های مستند، با روش توصیفی- تحلیلی این فرضیه را به آزمون قرار خواهد داد که جمهوری اسلامی ایران به دلیل رفع تهدیدات پیرامون خود، هدفی را که در سیاست خارجی خود در قبال تحولات داخلی عراق، پس از سقوط صدام دنبال نموده، حفظ تمامیت ارضی عراق از طریق حمایت از یک دولت دوست و متحد در این کشور بوده است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی ایران، عراق جدید، تمامیت ارضی عراق، ناسیونالیسم عربی، آمریکا.

۱. دانش آموخته دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران (نویسنده مسئول: Ayoob.menati@gmail.com)

مقاله پژوهشی

صفحه ۱۶۴-۱۳۹

۲. استادیار علوم سیاسی دانشگاه تهران

(N.hadian@ut.ac.ir)

مقدمه

سرنگونی رژیم بعث در عراق در سال ۲۰۰۳، علیرغم خوشنودی ایران و ایجاد فرصت‌هایی جهت بازتعریف نقش منطقه‌ای، مجموعه‌ای از تهدیدات با ماهیت نظامی، سیاسی، امنیتی را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرد. علاوه بر تهدیدات گذشته که از سوی عراق متوجه منافع و امنیت ملی ایران می‌شد، تهدیدات جدید نیز، منشأ نگرانی‌ها بودند. این تهدیدات را می‌توان در دو سطح دسته‌بندی کرد: ۱- سطح خارجی و غیر عراقی (حضور نظامی آمریکا در عراق و زمزمه‌های در پیش گرفتن سیاست تغییر رژیم در قبال ایران) ۲- سطح عراقی (نگرانی از سر برآوردن یک دولت تهدیدساز یا وابسته به آمریکا و تجزیه این کشور در اثر استقلال‌طلبی کردها و ظهور داعش).

حضور نظامیان آمریکا در عراق و احتمال حمله نظامی به ایران، در صدر نگرانی‌های اولیه دولتمردان ایران در سال‌های بعد از اشغال عراق و شکل‌گیری ساختار سیاسی جدید این کشور بود. آمریکا همه مؤلفه‌های تهدید از منظر والت را دارا بود. به علاوه مقامات ایرانی برداشتی تهدیدآمیز از تهاجم آمریکا به عراق و حضور گسترده نظامی در این کشور داشتند. این احساس تهدید باعث شد که ایران از طریق حضور و نفوذ گسترده در سطح سیاست داخلی عراق و کاربست ابزارهای مختلف در پی ایجاد توازن با آمریکا و کاهش نقش و نفوذ این کشور باشد.

در سطح عراقی نیز، ایران نگرانی‌های عمده‌ای داشت که می‌توان به شکل‌گیری یک دولت وابسته سکولار با گرایش‌های ناسیونالیسم عربی-عراقی اشاره کرد. این دولت می‌توانست متأثر از سیاست‌های آمریکا، عامل فشارهایی بر تهران باشد و دوباره در نقش دولتی تهدیدساز به مانند گذشته ظاهر شود. علاوه بر این، ایران نگرانی‌هایی در خصوص خطر تجزیه عراق داشت که می‌توانست بر امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران تأثیری چشمگیر بگذارد. از این منظر استقلال کردستان عراق می‌توانست ناسیونالیسم کردی را در کردستان ایران تشدید و سطح مطالبات قومی را در آینده افزایش دهد. شکل‌گیری یک دولت سنی در مناطق مرکزی عراق نیز (در اثر فروپاشی کشور) به طور بالقوه می‌توانست پایگاهی برای ناسیونالیست‌های عرب و اسلام‌گرایی سنی افراطی باشد، که رویکردی خصمانه به ایران دارند. دو رویداد ظهور داعش در سال ۲۰۱۴ و تشکیل خلافت در بخش‌های وسیعی از این کشور و استقلال‌طلبی کردها با برگزاری همه‌پرسی، این تهدیدات را بالفعل ساختند. داعش، به واسطه گرایش‌های شیعه‌ستیزانه و نیت تجاوزگرانه نسبت به ایران یک چالش عمده امنیتی

برای ایران و متحدینش در عراق ایجاد کرد. در صورت تحکیم خلافت داعش، کل پروژه ایجاد دولت دوست و متحد ایران در عراق با شکست کامل مواجه می‌شد.

سؤال اصلی مقاله حاضر این است که جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود در قبال تحولات داخلی عراق پس از سقوط صدام، چه اهدافی را دنبال نموده است؟ فرضیه مقاله این است که جمهوری اسلامی ایران به دلیل رفع تهدیدات پیرامون خود، هدفی را که در سیاست خارجی خود در قبال تحولات داخلی عراق، پس از سقوط صدام دنبال نموده، حفظ تمامیت ارضی عراق از طریق حمایت از یک دولت دوست و متحد در این کشور بوده است. این راهبرد ریشه در نگرانی‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران داشته است. مقاله حاضر، با روش توصیفی-تحلیلی بعد از بحث از چارچوب نظری، به بحث از تهدیدات متوجه امنیت و منافع ملی ایران در دو سطح غیرعراقی و عراقی می‌پردازد.

الف- چارچوب نظری

یکی از نظریاتی که می‌تواند با حک و اصلاح تا حدودی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در قبال عراق بعد از ۲۰۰۳ تبیین نماید، نظریه موازنه تهدید است. «استفن والت» یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان واقع‌گرایی تدافعی محسوب می‌شود.

مهم‌ترین گزاره‌های نظریه والت عبارتند از: ۱. دولت‌ها نه به قدرت بلکه به تهدید پاسخ می‌دهند. ۲. سطح تهدید، تحت تأثیر قدرت انبوه، نزدیکی جغرافیایی، توان تهاجمی و نیات تجاوزکارانه قرار دارد. ۳. پاسخ دولت‌ها به تهدید یا به شکل موازنه (شکل‌گیری اتحاد) و یا دنباله‌روی از دولت تهدید کننده است. ۴. ایدئولوژی یکسان، کمک‌های گسترده اقتصادی-نظامی و سطح بالای نفوذ و لابی سیاسی، از عناصر مؤثر در شکل‌گیری اتحاد علیه دولت تهدیدگر است. نظریه موازنه قوا پیش‌بینی می‌کند دولت‌ها علیه قدرتمندترین دولت در نظام بین‌الملل متحد می‌شوند، اما نظریه موازنه تهدید پیش‌بینی می‌کند که آن‌ها علیه تهدیدکننده‌ترین دولت متحد می‌شوند. بنابراین، نظریه دوم می‌تواند به این سؤال پاسخ دهد که چرا یک دولت ممکن است علیه دیگر دولت که لزوماً قوی‌ترین نیست، اما تهدیدکننده‌ترین است اقدام به موازنه نماید (Walt, 1987: 5-7).

از دیدگاه والت «قدرت گرچه عنصر مهمی است اما همه آن نیست. دقیق‌تر این است که بگوییم دولت‌ها له یا علیه دولتی دست به ائتلاف می‌زنند که بزرگترین تهدید علیه آنان است (Walt, 1987:)

21). البته والت نظریه توازن قوا را نه غلط، بلکه ناقص می‌داند؛ زیرا قدرت تنها عامل یا حتی مهم‌ترین آن در شکل‌گیری موازنه نبوده، بلکه یکی از عوامل مؤثر آن است. سطح تهدید، تحت تاثیر قدرت انبوه، نزدیکی جغرافیائی، توان تهاجمی و نیت تجاوزکارانه قرار دارد.

والت در ابتدای کتاب «ریشه‌های اتحادها» این سؤال را مطرح می‌کند که کشورها در مقابل کدام تهدیدات در پی کسب حمایت دولت دیگر برخوانند آمد؟ (Walt, 1987: 3) این سؤال را این‌گونه نیز می‌توان طرح نمود که وجود چه عناصری نشانه تهدیدگری یک دولت است؟ والت در پاسخ به این سؤال چهار منبع تهدید را به شرح زیر برمی‌شمرد (Walt, 1990: 21-26).

قدرت انبوه: به معنی منابع کلی یک دولت و شامل جمعیت، قابلیت‌های صنعتی- نظامی و توانمندی تکنولوژیک است. هر چه قدرت انبوه یک کشور بیشتر باشد، میزان تهدیدی که متوجه سایر دولت‌ها می‌کند، نیز بیشتر است (Walt, 1985: 9).

نزدیکی جغرافیایی: به فاصله سرزمینی موجود بین رقبای بالقوه گفته می‌شود. هر چه فاصله بیشتر باشد، توان اعمال قدرت محدودتر و در نتیجه، تهدید بالقوه نیز محدودتر خواهد بود. به عبارتی، والت ظرفیت تهدیدزایی را با فاصله جغرافیائی دولت تهدیدکننده مرتبط می‌داند (Walt 1990:23).

قدرت تهاجمی: به معنی حد و اندازه قابلیت‌های تهاجمی است. به هر میزان که قدرت تهاجمی بیشتر باشد، سطح تهدید یک دولت افزایش می‌یابد. قدرت تهاجمی ارتباط نزدیکی با قدرت انبوه و نزدیکی جغرافیائی دارد (Walt 1990: 24).

نیات تهاجمی: به معنی نحوه تلقی و برداشت دولت‌ها از دشمن بالقوه است. متغیر نیات تهاجمی بخشی از نظریه استفن والت است که او را از مادی‌گرائی دور ساخته و رویکردهای معناگرا- سازه‌انگاره را به ذهن متبادر می‌سازد. این ناشی از مفهوم تهدید است که شاید حتی بیشتر از مفهوم قدرت معناگرایانه باشد (Walt 1990: 25-26).

برخلاف تحلیل‌های صورت گرفته در مورد سیاست خارجی ایران را در عراق بر اساس نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، واقع‌گرایی تدافعی و به ویژه نظریه موازنه تهدید بهتر می‌تواند سیاست خارجی ایران را در قبال عراق جدید تبیین نماید. همان‌طور که گفته شد، ایران نه تنها در سطح غیر عراقی نگران اشغال عراق از سوی آمریکا و سیاست تغییر رژیم دولت بوش بود. علاوه بر این، تجزیه این کشور نیز می‌توانست برای ایران چالش‌زا باشد.

در چارچوب مقابله با تهدیدات بالقوه و بالفعل مذکور، راهبرد اصلی سیاست خارجی ایران، حفظ

تمامیت ارضی عراق از طریق تقویت یک دولت دوست و متحد ایران در بغداد بوده است. حمایت از چنین دولتی نه تنها می‌توانست به کاهش نفوذ آمریکا کمک کند و مانع از طرح‌ها و فشارهای ضد ایرانی این کشور بر علیه ایران، از طریق ایجاد دولتی وابسته گردد، بلکه نگرانی‌های ایران در خصوص حفظ تمامیت ارضی عراق را برطرف می‌ساخت و زمینه‌ساز فصل جدیدی از مناسبات حسنه با ایران نیز می‌شد.

ب- تهدید در سطح خارجی - غیرعراقی

یکی از نگرانی‌های ایران از حمله آمریکا به عراق، حضور نظامیان آمریکایی در مجاورت مرزهایش بود. آمریکا همه مؤلفه‌های تهدید از منظر والت، از جمله قدرت کلی، مجاورت جغرافیایی (حضور نظامی گسترده در عراق)، قدرت تهاجمی و نیت تجاوزکارانه نسبت به ایران را دارا بود. به علاوه مقامات ایرانی برداشتی تهدیدآمیز از تهاجم آمریکا به عراق و حضور گسترده نظامی در این کشور داشتند. در ادامه به سیاست خارجی آمریکا در این سال‌ها در قبال ایران و تلاش جمهوری اسلامی در ایجاد توازن و کاهش نقش آمریکا در تحولات این کشور خواهیم پرداخت.

با به قدرت رسیدن نومحافظه‌کاران در کاخ سفید، برخلاف دولت کلینتون که از ژوئن ۲۰۰۰ مواضع نرمی در قبال ایران اتخاذ کرده بود، دولت بوش از همان آغاز ورود به کاخ سفید، مواضع و اظهارات تنیدی علیه ایران اتخاذ کرد؛ و ایران را به عنوان یک دولت سرکش^۱ معرفی کرد (camrava,2008: 4).

سیاست‌ها و ایدئولوژی تهاجمی دولت بوش، که بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر جنبه عملی نیز در افغانستان و بعدها در عراق به خود گرفت، مایه نگرانی مقامات تهران بود. علیرغم اقدامات متعدد ایران بعد از ۱۱ سپتامبر از جمله محکومیت صریح اقدامات هراس‌پرورانه در عین محکومیت حمله آمریکا به افغانستان، تأکید بر محوریت سازمان ملل در مبارزه با هراس‌پروری، حمایت از میانجی‌گری اتحادیه اروپا در امور افغانستان و حتی کمک ایران به نیروهای بین‌المللی به رهبری آمریکا در جنگ افغانستان علیه طالبان و فرآیند بازسازی افغانستان از توافق بن تا توکیو در جهت سیاست دیپلماسی بازدارنده و غیره، اما از سوی مقامات کاخ سفید به عنوان محور شرارت قلمداد شد (غریباق زندگی، ۱۳۹۰: ۲۵۴-۲۵۵).

1 . rogue state

علاوه بر مواضع فوق، بحث‌های مربوط به طرح خاورمیانه بزرگ در همین مقطع در محافل سیاسی و دانشگاهی آمریکا و خاورمیانه رواج یافت که منشأ تفسیرها و سوءظن‌های عمده‌ای از سوی کشورهای خاورمیانه در خصوص سیاست‌های آینده آمریکا در منطقه شد. علیرغم بیانات تند مقامات کاخ سفید و محور شرارت خواندن ایران، عملاً در سال اول فعالیت، این دولت راهبرد منسجمی در قبال ایران نداشت و مشخص نبود در آینده استراتژی نومحافظه‌کاران چه سمت و سوی خواهد یافت. اما با حمله به عراق در مارس ۲۰۰۳ و پیشروی سریع نیروهای آمریکایی در ماه‌های اولیه و سقوط سریع بغداد، ایالات متحده سیاست تغییر رژیم در قبال ایران را دنبال می‌کرد. اگرچه دولت آمریکا به روشنی راهبردش را در این زمینه تدوین نکرده بود، اما شماری از مقامات ارشد و بانفوذ واشنگتن، شروع به بیان اظهارات و انتشار مطالبی در پیوند با تغییر رژیم در ایران نمودند. که می‌توان به کتاب مشترک «پرل و فروم» تحت عنوان «پایان شر: چگونه در جنگ علیه ترور پیروز شویم»^۱، اشاره کرد. آن‌ها نوشته‌اند: مشکل در ایران فراتر از بحث سلاح است. مشکل یک رژیم تروریستی است تا جستجوی سلاح؛ رژیمی که باید برود (Kamrava, 2008: 5).

بعد از سقوط سریع بغداد در همان هفته‌های اول، مقامات ایران احساس خطر کردند. چرا که ایران خود را در محاصره آمریکا می‌دید و برخی از رهبران آمریکایی نیز اظهاراتی دال بر سیاست تغییر رژیم در ایران مطرح نمودند. حسن دانایی‌فر سفیر سابق ایران در عراق معتقد است: «طبیعتاً حضور نظامی آمریکایی‌ها در خلیج فارس و ایجاد پایگاه‌های نظامی آنها در افغانستان و حضور نظامی آنها در عراق برای ما نگرانی دارد؛ این را نمی‌توان گفت که کسی بگوید ما نگران حضور آمریکایی‌ها در منطقه نیستیم و ما به دوستانمان در عراق اصرار داشتیم که حضور نظامی آمریکا در خاک آن کشور مغایر با روابط دوستانه‌ای است که سال‌های سال است با همدیگر داریم» (دانایی‌فر، ۱۳۹۷، مصاحبه شخصی).

لذا علیرغم موضع بی‌طرفانه ایران در خصوص جنگ، اشغال عراق توسط آمریکا، خوشایند جمهوری اسلامی ایران نبود، چرا که با حضور آمریکا در خلیج فارس، نفوذ در آسیای مرکزی و اشغال افغانستان و سپس حمله به عراق، امنیت ملی ایران در معرض تهدید بود (جوادی ارجمند، ۱۳۹۲: ۲۳۳).

بعد از شکست ارتش عراق و آغاز روند سیاسی این کشور، ایران به دیپلماسی فعال و سیاست

1 . An End to Evil: How to Win the War on Terror

حضور در ابعاد مختلف در معادلات سیاسی عراق روی آورد. در این راستا ایران همواره اشغال عراق از سوی آمریکا را مورد انتقاد قرار داد و از برگزاری انتخابات و تشکیل یک دولت برخاسته از اراده مردم عراق به حمایت پرداخت. جمهوری اسلامی ایران اولین کشوری بود که شورای حکومتی عراق را به رسمیت شناخت و یک هیأت ویژه سیاسی را به عنوان اولین هیأت رسمی بعد از سقوط صدام و به منظور دیدار با اعضای این شورا به عراق اعزام کرد (امیر عبداللهیان، ۱۳۸۸: ۴۷).

از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران علیرغم مخالفت با تهاجم آمریکا به عراق، از فرصت‌های همکاری نیروهای هم‌پیمان عراقی خود برای همکاری با آمریکا و کار کردن درون سیستم سیاسی مورد حمایت این کشور استقبال کرد. بعضی از گروه‌های مورد حمایت ایران دست به سازماندهی و آمادگی جهت تاثیرگذاری بر آینده سیاسی در عراق شدند. سپاه «بدر» با نامگذاری مجدد خود تحت عنوان سازمان بدر سعی کرد که کمتر بر ماهیت نظامی خود تأکید کند و عمدتاً بر توسعه سیاسی و اجتماعی سازمان متمرکز شود (Fishman and Felter, 2008: 27).

هدف‌های ایران، از طریق برگزاری انتخابات و به قدرت رسیدن احزاب شیعه که اکثریت جمعیت این کشور حامی آنها بودند، همراه با نیروهای سیاسی کرد نزدیک به ایران قابل تحقق بود. در همین راستا، ایران پیشگام به رسمیت شناختن دولت عراق بود، در شرایطی که کشورهای عرب منطقه و هم‌پیمان آمریکا مانند عربستان، قطر و امارات، از گشایش سفارتخانه و اعزام سفیر به این کشور طفره می‌رفتند، ریاست جمهوری و وزیر امور خارجه ایران بعد از تشکیل دولت عراق به این کشور سفر کردند (سعید ایروانی، ۱۳۸۷: ۹).

در این راستا با برگزاری انتخابات در سال ۲۰۰۵ ائتلاف یکپارچه عراق اکثریت آرا را کسب و با نیروهای سیاسی کرد یک دولت ائتلافی را در بغداد تشکیل دادند که روابط حسنه‌ای با ایران برقرار کرد. ایران در این مقطع سعی کرد این نیروها را به همدیگر نزدیک و از قدرت‌گیری جریان‌های سیاسی عراقی که رویکردی خصومت‌آمیز با ایران داشتند یا جریان‌های وابسته به غرب جلوگیری نماید. سیاستی که در انتخابات ۲۰۱۰، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸ نیز، از سوی ایران دنبال شد.

مقامات آمریکایی که از نفوذ ایران در عراق ناخشنود بودند، به طور مداوم ایران را به حمایت از شبه نظامیان و دامن زدن به بی‌ثباتی و مشارکت در حمله به نیروهای ائتلاف و آمریکا متهم می‌ساختند. چنان که در گزارش ۲۵ اکتبر ۲۰۰۷ وزارت خزانه‌داری آمریکا بیان داشت: «نیروهای سپاه قدس تأمین‌کننده حمایت مرگباری در شکل تسلیحات، آموزش، منابع مالی و هدایت گروه‌های

خاصی از شبه نظامیان شیعه عراقی هستند؛ کسانی که نیروهای عراقی، ائتلاف و مردم مدنی بی‌گناه را مورد هدف و به قتل می‌رسانند» (Alfone, 2017).

«کیگان» نویسنده آمریکایی در مورد حمایت ایران از شبه نظامیان و جنگ نیابتی آن‌ها علیه نیروهای آمریکا در سال ۲۰۰۷ نوشت: «مقامات نظامی آمریکا برآورد کرده‌اند که سپاه قدس تجهیزات و منابع مالی به ارزش ۷۵۰ هزار دلار تا ۳ میلیون دلار آمریکایی را برای گروه‌های خاص ماهانه، بعد از سال ۲۰۰۳ هزینه و تأمین می‌کند» (Kagan, 2007: 5).

در راستای نشان دادن حسن نیت و تعهد ایران در قبال ثبات عراق و برطرف‌سازی نگرانی‌های آمریکا، ایران در سال ۱۳۸۶ درباره مسائل امنیتی عراق، چهار دور مذاکرات را با آمریکا انجام داد. اگرچه روند تحولات و درگیر شدن بیش از پیش آمریکا در مسائل عراق، سناریوی حمله نظامی و تغییر رژیم در مورد ایران را در دور دوم ریاست جمهوری بوش غیر ممکن ساخت، اما یکی از نگرانی‌های ایران، به حضور نیروهای آمریکایی در این کشور باز می‌گشت.

در این زمینه توافقنامه امنیتی دولت «نوری المالکی» با آمریکا در خصوص آینده نیروهای فوق در عراق، از موضوعاتی بود که ایران در خصوص آن ملاحظات جدی داشت. ایران مخالف امضای توافقنامه فوق بود. دولت ائتلاف عراق یکپارچه به نخست وزیری نوری المالکی که از حمایت‌های ایران نیز برخوردار بود، امضاء این توافق‌نامه را متناسب با منافع عراق ارزیابی نمود و در نوامبر ۲۰۰۸ آن را امضاء کرد؛ اما سعی کرد که ملاحظات ایران را در توافق‌نامه لحاظ کند. مثلاً زبان این توافق‌نامه طوری بود که در آن مطرح شده بود از عراق به عنوان پایگاه جهت حمله به کشورهای دیگر (تلویحاً ایران) استفاده نخواهد شد (ماده ۲۷ این توافق‌نامه) و یک جدول زمانی برای عقب نشینی نیروهای نظامی آمریکایی از عراق بر اساس درخواست ایران تعیین شد (یزدان فام، ۱۳۹۰: ۱۷۲-۱۷۰).

حسن دانایی فر سفیر پیشین ایران در عراق لحاظ شدن ملاحظات ایران در توافق را تأیید و اظهار می‌دارد:

«بله طبیعتاً همان بندی که در توافق‌نامه امنیتی آمده است، پیشنهاد ایران بوده و طبیعتاً ما این نگرانی‌ها را داشتیم. نگاه کنید که در دوره مبارزه معارضین عراقی با حکومت صدام هیچ یک از کشورهای اروپایی یا آمریکا و یا کشورهای عربی به غیر از سوریه اجازه نمی‌دادند معارضین عراقی وارد آن کشورها شوند. در آن زمان اکثر این معارضین چه قبل از انقلاب و

چه بعد از انقلاب وارد ایران شدند و پایگاه، سازماندهی، آموزش و حمایتشان در ایران بود. لذا اینها رابطه بسیار مستحکم و ویژه‌ای با ما داشتند و قطعاً نگرانی‌های ما را درک می‌کردند و در مذاکرات خود، نگرانی‌های ما را هم اعمال می‌کردند و یا تلاش می‌کردند اعمال کنند» (دانایی فر، ۱۳۹۷: مصاحبه شخصی).

پ- تهدیدات در سطح عراقی

در سطح عراقی، ایران بعد از سال ۲۰۰۳ با تهدیداتی مواجه بود که ظهور دوباره یک دولت تهدیدساز و دشمن در بغداد یا وابسته به آمریکا و تجزیه این کشور از جمله آن بودند. ابتدا به بحث از تهدید در سطح ملی عراق، سپس تجزیه عراق خواهیم پرداخت. در سطح ملی، عراق با توجه به نزدیکی جغرافیایی، توان و امکانات بالقوه اقتصادی و نظامی، نیت تهاجمی که همیشه در بین برخی از رهبران و حکومت‌های سابق این کشور نسبت به ایران وجود داشت، همواره منشأ تهدیدهای امنیتی جدی برای ایران بود و مؤلفه‌های تهدید از منظر والت را دارا بود.

یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی ایران بعد از سال ۲۰۰۳، جلوگیری از شکل‌گیری دولتی تهدیدساز به مانند گذشته یا وابسته به آمریکا، از طریق حمایت از یک دولت دوست در بغداد بود. ایران در این راستا با حضور مؤثر در عرصه سیاسی عراق، از همان ابتدا سعی کرد که قدرت از نیروهای ائتلاف به یک دولت منتخب مردم عراق واگذار شود و در نزدیک کردن احزاب و گروه‌های سیاسی شیعه و کرد به همدیگر و تقویت موضع آن‌ها در انتخابات‌های سال ۲۰۰۵ نقش مهمی داشت.

حسن کاظمی قمی سفیر سابق ایران در عراق این مطلب را نیز تأیید و بیان می‌کند:

«که در این مقطع، کاهش نفوذ ایالات متحده در روند سیاسی عراق و تشکیل یک دولت متحد و دوست در بغداد که مواضع خصمانه سابق را در خصوص ایران نداشته باشد و نگرانی‌های ایران را در خصوص تهدیدات امنیتی حضور نیروهای آمریکایی در عراق را درک کند، از مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی ایران در تعامل با نیروهای سیاسی مختلف عراقی و حضور مؤثر در معادلات سیاسی این کشور بود» (کاظمی قمی، ۱۳۹۷: مصاحبه شخصی).

این هدف از این‌رو اهمیت راهبردی داشت، آمریکا همواره سعی داشت با مشارکت دادن نخبگان سنی و سکولار شیعه که مواضع غیردوستانه‌ای در قبال ایران داشتند، از نفوذ ایران در عراق بکاهد. نیروهای فوق، با گرایش‌های ناسیونالیسم عربی و اسلام‌گرایی سنی در عرصه سیاسی عراق، پیوسته با سیاست‌های ایران در عراق و نفوذ فزاینده آن در میان شیعیان ابراز نگرانی می‌کردند. جریان‌های

سیاسی فوق طیف وسیعی را شامل می‌شدند، از جمله حزب اسلامی عراق که دارای گرایش‌های اسلام‌گرای سنی بود و در خلال سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ با تشکیل جبهه توافق، نماینده اعراب سنی در صحنه سیاسی عراق بود. علاوه بر این، جریان ناسیونالیست سکولار که به وسیله جبهه دیالوگ ملی نمایندگی می‌شد، به همراه تشکل‌های دیگر ناسیونالیست عرب و طرفداران بعث بودند (AI-qarawee, 2014).

در کنار این نیروها می‌توان به ائتلاف عراقیه به رهبری ایاد علاوی و شخصیت‌های ناسیونالیست عراقی که مقامات عالی‌رتبه‌ای در آغاز شکل‌گیری دولت جدید عراق داشتند، اشاره کرد. به عنوان مثال، در جولای ۲۰۰۴ وزیر دفاع موقت عراق «حازم الشعلان» بیان داشته که ایران دشمن شماره یک کشورش باقی مانده است؛ از تروریسم حمایت و دشمنان را وارد عراق می‌کند؛ ایشان ادعا کرده است که مداخلات آشکار ایران در امور عراق را دیده است. این کشور را به مداخله جهت از بین بردن دموکراسی در عراق متهم نموده است. الشعلان در جریان درگیری نیروهای «مقتدی صدر» با نیروهای آمریکایی در نجف در سال ۲۰۰۴، ایران را متهم به فرستادن سلاح برای شورشیان شیعه در نجف کرد. مقامات ایرانی این ادعاها را تکذیب و از الشعلان به عنوان عامل آمریکایی نام بردند. سایر مقامات عراقی همچون «غازی الیاور»، رئیس جمهور موقت و «ایاد علاوی» در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ و سال‌های بعد از انتخابات ۲۰۱۰، نگرانی‌های خود را از رفتارهای ایران در عراق ابراز داشتند. الیاور، ایران را متهم به کمک‌های مالی به احزاب و شخصیت‌های نزدیک به تهران و تزریق مقداری پول به مبارزات انتخاباتی عراق در راستای ایجاد یک حکومت شیعه همانند حکومت ایران نمود (Crisis Group Middle East Report, 2005: 1-5).

می‌توان ادعا کرد حمایت ایران از ائتلاف یکپارچه عراق و احزاب کردی، بیشتر به واسطه این عامل در انتخابات فوق صورت می‌گرفت، که این گروه‌ها گزینه‌ای بهتر از نیروهای ناسیونالیست سکولار عرب یا گروه‌های سنی هستند چرا که این گروه‌ها رویکردی غیردوستانه در قبال ایران دارند. از سوی دیگر در این مقطع گذار، ایران از به قدرت رسیدن نیروهای سکولار طرفدار آمریکا و تحکیم موقعیت آن‌ها در سیستم سیاسی عراق نگران بود.

به قدرت رسیدن یک دولت دوست و متحد ایران برای اولین بار در تاریخ عراق (با اکثریت شیعی) زمینه را برای گسترش مناسبات با عراق در ابعاد مختلفی فراهم کرد. در سال ۱۳۸۶ پس از چهل سال، رئیس جمهور ایران به عراق سفر کرد و جو خوش‌بینی و اعتماد بین رهبران بغداد و ایران

گسترش یافت. بعد از این سفر نیز، مقامات بلندپایه دو کشور از قبیل وزیر امور خارجه ایران، نخست وزیر و رئیس مجلس ملی عراق از دو کشور دیدن و بر گسترش روابط تأکید کردند. در سفر احمدی-نژاد ضمن تأکید بر تحکیم و گسترش روابط، قراردادهای متعدد سیاسی، اقتصادی و امنیتی نیز منعقد شد (دهقان، ۱۳۸۹: ۳۰).

در دو دوره نخست وزیری «المالکی»، در کنار برخی اختلافات محدود، مناسبات چندجانبه ایران با دولت بغداد گسترش یافت. تهران و بغداد به شیوه‌ای فعال، برای گسترش مناسبات اقتصادی همکاری کردند. تا ژانویه ۲۰۱۰، دو کشور بیشتر از ۱۰۰ قرارداد همکاری را امضاء کردند. برای اولین بار در نیم قرن اخیر، عراق یک دوست و نه یک دشمن برای ایران بود (Esfandiary and Tabatabai, 2015: 4-6).

در دوره نخست‌وزیری «حیدرالعبادی» نیز، به واسطه کمک‌های سیاسی، نظامی، اطلاعاتی ایران جهت شکست داعش و عملیات آزادسازی شهرهای عراق از این گروه تروریستی که بخش عظیمی از خاک عراق را اشغال کرد، مناسبات ایران بیش از پیش با دولت بغداد تحکیم گردید. نقش مهم ایران در حفاظت از تمامیت ارضی عراق در جریان مسأله استقلال‌خواهی کردستان هم، نه تنها نیروهای سیاسی دوست ایران را در عرصه سیاسی این کشور تقویت کرد، بلکه ایران را به متحدی استراتژیک و قابل اتکا برای دولت بغداد تبدیل ساخت.

بعد از انتخابات سال ۲۰۱۸ و روی کار آمدن دولت عادل «عبدالمهدی» نیز این همکاری‌ها در سطوح بسیار عالی ادامه پیدا کرد؛ به طوری که حسن روحانی رئیس جمهوری ایران در شرایطی که پس از خروج امریکا از برجام و اعمال تحریم‌های شدید علیه ایران، در ۲۲ اسفند ۹۷ سفر سه روزه خود به عراق را به پایان رساند. این سفر رئیس‌جمهور به یکی از مهم‌ترین همسایه‌های ایران موجب تحکیم روابط دوجانبه درحوزه‌های مختلفی از روابط سیاسی گرفته تا مناسبات اقتصادی و از ارتباطات فرهنگی گرفته تا پیوندهای اجتماعی شد. این سفر نقطه اوج توسعه روابط دوجانبه به حساب می‌آید و آمریکا و عربستان با وجود تلاش‌های زیاد نتوانستند نفوذ ایران در منطقه به خصوص در عراق را کاهش دهند.

به لحاظ روابط اقتصادی ایران و عراق نیز از ابتدای شکل‌گیری عراق جدید به همکاری در این زمینه پرداختند و این روند به ویژه بعد از تحمیل رژیم تحریم‌ها بر ایران در سال ۲۰۱۱ بیشتر گردید. به دنبال تشدید تحریم‌ها، ایران در جستجوی جایگزین کردن شرکای تجاری سنتی‌اش در منطقه یعنی

ترکیه و امارات با عراق بود. امروزه عراق یکی از پنج شریک تجاری اصلی ایران است (Esfandiary and Tabatabai, 2015: 4-6).

طبق گزارش تحلیلی خبرگزاری فارس از میزان صادرات ایران در سال ۹۷، عراق مقصد ۱۷ درصد صادرات ایران از سال ۸۸ تا ۹۶ به شمار می‌رود که بعد از چین دومین طرف تجاری ایران از این حیث محسوب می‌شود. همچنین آمارهای سال جاری نیز نشان می‌دهند در ۱۰ ماهه ابتدایی، میزان صادرات ایران به عراق بیش از ۷.۵ میلیارد دلار بوده که از کل صادرات ایران به این کشور در سال گذشته بیشتر است. از سوی دیگر، بر اساس آمارهای بین‌المللی از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۸ عراق با ۶۵ میلیارد دلار واردات، دومین مقصد کالاهای ایرانی به شمار می‌رود. با این حال مقایسه حجم صادرات ایران و ترکیه به عراق از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۸ نشان می‌دهد که ترکیه با وجود داشتن فقط یک گذرگاه مرزی با عراق، توانسته در این مدت بیش از ۹۳ میلیارد دلار صادرات به این کشور داشته باشد. این درحالی است که ایران ۱۵ گذرگاه مرزی با عراق دارد (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۷/۱۲/۱۴).

همچنین «محمد رضا مودودی» سرپرست سازمان توسعه صادرات در گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم، با مقایسه ارزش متوسط کالاهای صادراتی کشورمان به عراق در سال گذشته اظهار کرده است: در سال ۹۷، ارزش متوسط کالاهای صادراتی کشور به ازای هر تن، ۳۶۰ دلار بود و این درحالی است که ارزش متوسط هر تن کالای صادراتی ایران به عراق ۵۰۰ دلار بوده است. ایشان همچنین به این موضوع اشاره می‌کند که در سال ۹۷، صادرکنندگان کشورمان توانستند کالاهای با ارزش افزوده بالاتر به کشور عراق صادر کنند. به گفته وی سهم عراق در تجارت با ایران بیش از ۵۰ درصد افزایش داشته و ایران توانست ۲۹ درصد سهم بازار عراق را در سال ۹۷ از آن خود کند (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۸/۰۱/۱۶)؛ و این نشان می‌دهد که در سال ۹۷ کشور عراق بعد از چین بزرگ‌ترین واردکننده محصولات و کالاهای ایرانی بوده است و از نظر تنوع کالاهای وارداتی، در جایگاه نخست بین کشورهای واردکننده کالاهای ایرانی قرار گرفته است و رکورد ۹ میلیارد دلار صادرات ایران به عراق ثبت شده است.

علاوه بر این ایران و عراق در زمینه‌های دیگر از جمله برق، گاز، نفت و توریسم درمانی همکاری دارند. که همکاری دو کشور در حوزه انرژی بعد از خروج آمریکا از برجام با چالش‌های زیادی مواجه شده است. اکنون سایه سنگین فشارها و تحریم‌های ایالات متحده آمریکا و وزارت خزانه‌داری این کشور به عنوان مانعی جدی بر سر راه روابط اقتصادی عراق و ایران به ویژه در حوزه مناسبات بانکی

و ارزی عمل می‌کند و در این مدت نیز فشارهای واشنگتن تأثیرات منفی جدی را بر این روابط داشته است. دولت امریکا برای کاهش روابط اقتصادی ایران و عراق به ممنوع ساختن معاملات دلاری پرداخته و در تلاش است تا واردات گاز و برق از ایران را نیز به تدریج محدود کند. در این ارتباط می‌توان به دیدار آقای «ریک پری» وزیر انرژی ایالات متحده در ملاقات با مقامات دولت جدید در عراق اشاره کرد که در این دیدار خواستار افزایش تولید نفت توسط آن‌ها و صادرات نفت به ترکیه شد. او در این سفر حامل پیام قاطع دولت ترامپ به حکومت عراق مبنی بر عزم جدی آمریکا برای کاهش وابستگی عراق در زمینه انرژی به منظور مقابله با نفوذ ایران در عراق بود. آمریکا در این راستا به طور جدی از دولت عراق می‌خواهد که صادرات نفت خود را بالا ببرد، تولید داخلی برق را افزایش دهد و مصرف گاز را کاهش دهد تا در این زمینه به ایران وابسته نباشد و در نتیجه نفوذ ایران در عراق کاهش یابد. وزیر انرژی آمریکا همچنین خواستار افزایش مشارکت و همکاری عراق با شرکت‌های آمریکایی شد (www.energy.gov, 2018).

ت- تهدیدات ناشی از تجزیه عراق برای ایران

بخشی از راهبرد اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال عراق، حفظ تمامیت ارضی عراق بود که با ظهور داعش و همه‌پرسی اقلیم کردستان با چالش مواجه شد. در پایین به تهدید داعش و واکنش ایران به آن پرداخته می‌شود، سپس به بحث از استقلال‌طلبی کردها خواهیم پرداخت. شکل‌گیری یک دولت سنی‌گرا در مناطق مرکزی عراق با ظهور داعش، عملاً عراق را در معرض فروپاشی قرار داد. این دولت، بالقوه می‌توانست پایگاهی برای ناسیونالیست‌های عرب و اسلام‌گرایی سنی افراطی باشد، که رویکردی خصمانه به ایران دارند.

داعش همچنین، به واسطه گرایش‌های شیعه‌ستیزانه، نیات تجاوزگرانه نسبت به ایران، نزدیکی جغرافیایی، قدرت نظامی و تهاجمی، یک چالش عمده‌ای برای ایران و متحدینش در عراق از جمله کردها و شیعیان یا دولت متحد ایران در بغداد ایجاد کرد. در صورت تحکیم خلافت داعش، کل پروژه ایجاد دولت دوست و متحد ایران در عراق و دغدغه حفظ تمامیت ارضی عراق، با شکست کامل مواجه می‌شد. ایران در این مساله از طریق شکل دادن ائتلافی از اقلیم کردستان و دولت عراق دست به ایجاد توازن و مقابله با تهدید مشترک کرد.

ث- ظهور داعش و خطر فروپاشی عراق

ظهور و پیشروی‌های خیره‌کننده داعش در مناطق مختلف عراق در سال ۲۰۱۴، تمامیت ارضی عراق را با خطر جدی مواجه ساخت. داعش با استفاده از تسلیحات پیشرفته و کمک‌های لجستیکی و نظامی کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای توانست به سرعت در کشورهای عراق و سوریه نفوذ کند و مناطق وسیعی را تحت کنترل خود درآورد. این مسائل باعث شد که دولت‌های شیعی عراق و سوریه در معرض فروپاشی قرار بگیرند و با این کار محور مقاومت در معرض فرسایش و تهدید می‌گرفت. با حمله داعش به عراق موجی از فرقه‌گرایی و تفرقه‌شکال‌گرفت و فشارهای دیپلماتیک علیه شیعیان و سیاست خارجی ایران افزایش یافت و با اقدامات بی‌سابقه‌ای از جمله قتل و عام شیعیان در عراق، تهدیدات مربوط به امنیت و منافع ملی ایران عینیت یافت.

محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه ایران معتقد است که داعش محصول دو چیز است: اول تهاجم آمریکا به عراق و حضور نیروهای خارجی که یک عنصر محرکه برای مقاومت را ایجاد کرده است و دوم احساس عدم توازن که در میان برخی کشورهای منطقه بعد از سقوط صدام غلبه یافته است؛ آن‌ها سعی می‌کنند که وضع موجود را تغییر دهند (6: sfandary and Tabatabai, 2015).

با پیشروی داعش و زمزمه‌های حمله به بغداد، لحن مقامات ایرانی و نگرانی‌های آن‌ها از به قدرت رسیدن دوباره گروه‌های جهادی در عراق با همکاری بعضی‌ها یا تجزیه این کشور بیشتر شد. ایران در کمک به نیروهای کرد و عراقی در مقابله با داعش، از همان آغاز تردیدی به خود راه نداد و فعالانه آن‌ها را تشویق به مبارزه با این گروه کرد. با اینکه نیروهای سیاسی کرد به ویژه حزب دموکرات کردستان عراق و نیروهای اسلام‌گرای کرد، در ابتدا مخالف درگیر شدن با داعش بودند و مقامات کرد صراحتاً اعلام کردند که ما وارد جنگ مذهبی تحت لوای جنگ ترور نمی‌شویم. اما بعد از حمله داعش به چند شهر کردها از جمله سنگال و به خطر افتادن پایتخت اقلیم کردستان (اربیل) تصمیم به جنگ با داعش را با تمام قوا اتخاذ کردند. ایران اولین کشوری بود که جهت مبارزه با داعش به حکومت اقلیم کردستان بنا به گفته «مسعود بارزانی» کمک تسلیحاتی کرد (Geranmayeh, 2014).

کمک‌های ایران چنان تعیین‌کننده بود که از پیشروی‌های داعش به سمت «بغداد» و «اربیل» جلوگیری کرد. سپاه پاسداران به ویژه نیروی قدس به فرماندهی سردار قاسم سلیمانی، نقش مهمی در آموزش و فرماندهی نیروهای عراقی در خلال جنگ داعش داشتند. به ویژه آموزش نیروهای داوطلبی که برای جنگ داعش از سوی نیروهای سیاسی عراقی (از جمله صدری‌ها، کتائب حزب الله، کتائب

الامام علی، سازمان بدر، عصائب اهل حق) در استان‌های مختلف عراق استخدام می‌شدند. همچنین فرماندهان نیروی قدس سپاه، مستقیماً در برخی مراکز اصلی درگیری همچون محاصره «آمرلی» در شمال عراق فعال بودند؛ جایی که نیروی کرد و شبه نظامیان شیعه عراقی با ورود سردار سلیمانی نهایتاً داعش را شکست دادند (Adelkhah, 2015).

این فعالیت‌ها بخشی از حضور و ایفای نقش ایران در جنگ علیه داعش در عراق بوده است. ایران در خلال جنگ همواره کمک‌های اطلاعاتی مهمی به نیروهای کرد و عراقی کرده است. گزارش‌های مختلفی از استقرار نیروهای اطلاعاتی ایران جهت ردیابی ارتباطات نیروهای داعش و بعضاً جلوگیری کردن از آن، از سوی رسانه‌های مختلف منتشر شد. همچنین رسانه‌هایی نیز، از فرستادن هواپیماهای بدون سرنشین ساخت ایران به عراق، جهت مقابله با داعش خبر دادند (Adelkhah, 2015).

ایران در خلال جنگ داعش هزینه‌های زیادی متحمل شد. تنها چهل تن از مشاوران نظامی سپاه به نیروهای «حشدالشعبی» از ۱۵ مارس ۲۰۱۴ تا ۳ اگوست ۲۰۱۷ در عراق جان باختند (Alfoneh, 2017). سپاه پاسداران و سردار سلیمانی در سازماندهی و تشکیل نیروهای حشدالشعبی، آموزش و ارائه مشاوره در خلال جنگ و آزادسازی موصل و سایر شهرهای اشغال شده از سوی این گروه افراطگرا نقش مهمی داشتند. برخی از مقامات حشدالشعبی به این مسأله اذعان کرده‌اند (Roggio and Weiss, 2015).

ج- استقلال‌خواهی کردستان عراق و بازگشت خطر تجزیه

همه‌پرسی در کردستان عراق نیز، در زمره وقایعی بود که راهبرد اصلی سیاست خارجی ایران را در عراق با چالش مواجه می‌ساخت. نگرانی‌های ایران دارای سه بعد داخلی ایرانی-عراقی، منطقه‌ای و بین‌المللی بود. در سطح داخلی ایرانی، مقامات ایران از تأثیرات این مسأله بر امنیت ملی ایران و تشدید گرایش‌های ملی‌گرایانه کردی و دامن زدن به خواست‌های واگرایانه در کردستان ایران نگران بودند. در بعد امنیت داخلی عراقی نیز، تجزیه کردستان عراق، امکان چند پاره شدن عراق و تجزیه مناطق سنی نشین را دامن می‌زد. در صورت چنین سناریویی، این مناطق حوزه نفوذ رقبای منطقه‌ای ایران و نیروهای عربگرا و سنی‌گرایی می‌شد، که می‌توانست در آینده تهدیداتی را متوجه ایران سازند. نگرانی منطقه‌ای ایران در بعد منطقه‌ای، به حمایت اسرائیل از تأسیس دولت کردی باز می‌گشت. تهران از طرح‌های ژئوپولتیکی اسرائیل در منطقه شمال عراق نگران بود، که اسرائیل با حمایت عمومی

از همه‌پرسی، در پی پاسخی به سال‌ها حضور ایران- حزب الله در مرزهای شمالی اش باشد Nadimi, (2017). در بعد بین‌المللی نیز، سوءظن مقامات تهران نسبت به سیاست آمریکا در عراق و احتمال تبدیل چنین دولتی به متحد غرب، اسباب نگرانی دیگر ایران بود.

از دید رهبران کرد، علیرغم فدرالی بودن سیستم سیاسی عراقی بعد از ۱۳۸۲ و مبارزه کردها با داعش و هزینه‌های زیاد در این راه، حکومت مرکزی عراقی حاضر به برگزاری رفراندوم و اجرای ماده ۱۴۰ قانون اساسی، جهت پایان دادن به اختلافات بر سر سرزمین‌های مورد اختلاف نشده است. همچنین دولت مرکزی از تسهیم منابع نفتی به نحو عادلانه یا پرداخت بودجه کردستان که از سال ۲۰۱۴ قطع شده بود، طفره رفته است و حمایت کافی به لحاظ آموزشی، سلاح و مالی از نیروهای پیشمرگ به عمل نمی‌آورد. با اتمام عملیات آزاد سازی موصل از کنترل داعش، رهبران کرد بحث برگزاری همه‌پرسی جهت استقلال از عراق را مطرح ساختند. این در حالی بود که برخی از مناطق از جمله «حویجه» از شهرهای استان «کرکوک» همچنان در دست داعش باقی مانده بود.

در ۷ ژوئن ۲۰۱۷ مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان اعلام کرد که رفراندوم استقلال اقلیم کردستان در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ برگزار خواهد شد. وی معتقد بود که این رفراندوم حق قانونی و طبیعی مردم ماست و بعد از آن ما می‌خواهیم روی نتایج رفراندوم به شیوه‌ای مسالمت‌جویانه مذاکره کنیم و این مسأله را با بغداد از طریق صلح‌آمیز و نه خشونت حل و فصل کنیم (Macdiarmid, 2017).

دولت عراق برگزاری رفراندوم را غیر قانونی و از همان آغاز انجام چنین امری را در تضاد با یکپارچگی و تمامیت ارضی عراق دانست و به مخالفت با آن پرداخت. دولت‌های منطقه نیز، به دلایل مختلف از جمله دلایل امنیتی با در پیش گرفتن چنین سیاست‌هایی از سوی بخشی از مقامات اقلیم کردستان به مخالفت پرداختند. علیرغم این مخالفت‌ها و نگرانی شورای امنیت سازمان ملل متحد، رفراندوم در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ برگزار شد. رأی‌گیری مناطق مورد اختلاف بغداد و اربیل از جمله کرکوک و سایر شهرهایی را که کردها در نتیجه جنگ داعش آنها را کنترل می‌کردند، در بر گرفت. این مسأله حساسیت‌های موضوع را دوچندان کرد (Kajjo, 2014).

مقامات ایرانی از همان آغاز در سطوح مختلف سیاسی و نظامی با بحث همه‌پرسی و استقلال کردستان عراق مخالفت کردند. آیت‌الله خامنه‌ای در دیداری که ۳۰ خرداد ۱۳۹۶ با حیدرالعبادی نخست‌وزیر عراق داشتند بر لزوم حفظ یکپارچگی سرزمین عراق تأکید کردند و ابراز داشتند:

«جمهوری اسلامی ایران به عنوان همسایه، با برخی زمزمه‌ها مبنی بر برگزاری همه‌پرسی برای جدایی یک بخش از عراق مخالف است و دامن زندگان به این موضوع را مخالفان استقلال و هویت عراق می‌داند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۶، پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری).

محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، در گفت و گو با ایرنا گفت:

«همه‌پرسی در کردستان، مخالف قانون اساسی عراق بود و نه تنها کمکی به مردم کردستان نمی‌کند، برای امنیت عراق هم قابل توجیه نیست. وی همچنین تأکید کرد: این حرکت خطرات زیادی برای امنیت عراق و منطقه خواهد داشت. توقع ما این است که مذاکرات با احترام به قانون اساسی عراق بخصوص اصل اول قانون اساسی عراق، که بر وحدت ملی و تمامیت ارضی عراق به عنوان اصول غیر قابل تغییر تأکید دارد، شروع شود بدون اینکه این اتفاقی که افتاده است، تأثیری بر مذاکرات یا آینده داشته باشد» (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۶).

دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، «علی شمخانی» نیز، در آخرین موضع‌گیری در خصوص

موضع ایران در قبال برگزاری همه‌پرسی در اقلیم کردستان عراق با تکرار مواضع ایران، ابراز داشت:

«ایران به عنوان دوست و هم‌پیمان برادران کرد که همواره و در سخت‌ترین شرایط در کنار آنها بوده است، برگزاری رفراندوم را تأمین‌کننده منافع اقلیم کردستان ارزیابی نمی‌کند و با آن مخالف است. شمخانی، برگزاری رفراندوم را موجب شکل‌گیری تهدیدات جدید و شکننده علیه اقلیم کردستان عنوان کرد. شمخانی با تبیین اقدامات و فعالیت‌های سیاسی و دیپلماتیک ایران از طریق گفت و گوی نزدیک با مسئولین اقلیم کردستان، دولت عراق، و همسایگان این کشور افزود: ایران به طور قطع صرفاً، دولت واحد، یکپارچه و فدرال عراق را به رسمیت می‌شناسد و با اشاره به موضع غیر قابل تغییر ایران در خصوص ضرورت حفظ تمامیت ارضی و وحدت سرزمینی عراق افزود: هرگونه خدشه به این اصل راهبردی، موجب بازبینی و تغییر جدی در روند همکاری موجود میان ایران و اقلیم کردستان عراق خواهد شد» (وب سایت مردم سالاری، ۱۳۹۶).

در روزهای مانده به موعد اعلام شده برگزاری همه‌پرسی، ایران و ترکیه رزمایش نظامی در مرزهای مشترک خود با کردستان عراق برگزار کردند تا آمادگی برای مقابله با هرگونه ایجاد بی‌ثباتی در منطقه را اعلام کنند. انجام همه‌پرسی در موعد مقرر در اقلیم کردستان و مناطق مورد اختلاف، دولت مرکزی عراق را بر آن داشت تا با درخواست از ایران و ترکیه، کلیه مرزهای هوایی کردستان عراق از طریق دو کشور همسایه را مسدود نمایند؛ اتفاقی که به سرعت از سوی شورای عالی امنیت

ملی ایران و مقامات ترکیه اجرایی و اعلام شد (وب سایت مشرق، ۱۳۹۶).

بعد از برگزاری همه‌پرسی، دولت عراق نتایج آن را به رسمیت نشناخت و مجموعه‌ای از اقدامات تنبیهی را علیه دولت اقلیم کردستان در پیش گرفت. بغداد همچنین، از طریق ایران و ترکیه سعی در منزوی ساختن اقلیم نمود. نهایتاً در ماه اکتبر ۲۰۱۷ نیروهای ارتش و حشدالشعبی توانستند کرکوک و مناطقی را که کردها بعد از سال ۲۰۱۴ به تصرف درآورده بودند، دوباره کنترل نمایند. نیروهای دوست ایران که از گروه‌های مهم تشکیل دهنده حشدالشعبی بودند، از جمله «سازمان بدر»، «کتاب حزب الله» و «عصائب اهل الحق» نقش مهمی در کنترل این مناطق و عقیم‌سازی طرح تجزیه عراق داشتند (Spyer, 2017).

نقش مهم ایران در اعمال فشار بر اقلیم کردستان و کمک به نیروهای عراقی جهت تضمین تمامیت ارضی این کشور در تحولات فوق به ویژه تصرف شهر کرکوک و مناطق دیگر باعث شد، که برخی از ناظران خارجی، برنده تحولات فوق را ایران تفسیر کردند و از گسترش نفوذ بیشتر ایران در آینده عراق سخن به میان آورند (Gramer, 2017).

جمهوری اسلامی ایران با توجه به شرایط کنونی منطقه، که ناامنی و بی‌ثباتی مشخصه بارز آن است، نسبت به برگزاری این همه‌پرسی نگاهی دوراندیشانه‌تری داشت و با وجود اینکه عدم دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر همواره یکی از اصول سیاست خارجی ایران بوده است. اما برخی از موضوعات داخلی کشورهای همسایه با توجه به پیوستگی آن با مناطق دیگر نمی‌تواند صرفاً به‌عنوان یک مسئله داخلی تفسیر شود. مسئله کردها نمونه‌ای از مسائل داخلی با تأثیرات منطقه‌ای و بین‌المللی است.

از این رو ایران اعلام کرد که برگزاری این همه‌پرسی در شرایط کنونی باعث بی‌ثباتی خواهد شد. ایران با توجه به روابط دوستانه‌ای که با اقلیم کردستان دارد، در شرایط کنونی برگزاری این همه‌پرسی را باعث نوعی بی‌نظمی سیاسی - امنیتی در منطقه می‌داند. دلیل این مسئله نیز به بین‌المللی بودن مسئله‌ی کردها برمی‌گردد. اجرای همه‌پرسی و شروع فرایند استقلال کردستان عراق می‌تواند بر موضوع کردها در ایران، ترکیه و سوریه اثرگذار باشد. این مسئله نیز ناگزیر به تشدید بی‌ثباتی در خاورمیانه منجر خواهد شد و نظم کنونی را دچار تغییراتی خواهد کرد. ضمن اینکه شرایط سیاسی - امنیتی عراق در شرایط کنونی نیز به گونه‌ای است که برگزاری همه‌پرسی می‌تواند باعث تنش‌های سیاسی گسترده‌ای، که زمینه‌ساز تنش‌های امنیتی خواهد بود؛ شود. به همین دلیل نگاه ایران به این

مسئله تابعی از شرایط امنیتی و نظم منطقه‌ای بود.

نتیجه‌گیری

سرنگونی رژیم بعث در عراق در سال ۲۰۰۳، در کنار فرصت‌ها، مجموعه‌ای از تهدیدهای جدید را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرد. برخلاف دیدگاه‌های رایج در میان نویسندگان غربی و جهان عرب، که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در عراق بر اساس نظریه واقع‌گرایی تهاجمی تحلیل و آن را تهاجمی و فرقه‌گرایانه می‌دانند، مقاله مذکور سیاست خارجی ایران را تدافعی می‌داند و معتقد است، نظریه موازنه تهدید بهتر می‌تواند سیاست خارجی ایران را در قبال عراق جدید تبیین نماید.

یکی از مشکلات کاربرد این نظریه در پژوهش حاضر این است، که این نظریه بیشتر در تبیین ایجاد توازن از طریق ائتلاف‌سازی بین دولت‌ها علیه دولت تهدیدگر به ویژه در سطح قدرت‌های بزرگ راهگشا است. از این منظر، به مانند سایر نظریه‌های دیگر، دارای محدودیت‌هایی جهت تبیین راهبرد و سیاست خارجی ایران در عراق بعد از ۲۰۰۳ است. اما از سوی دیگر، این نظریه با توجه به نگرانی‌های امنیتی عمیق ایران در خصوص تهدیدات ناشی از حضور ایالات متحده آمریکا در عراق و بحث تغییر رژیم در ایران و سطح عراقی (چالش‌های چند لایه امنیتی عراق برای امنیت و منافع ملی ایران در گذشته و بعد از سال ۲۰۰۳)، بهتر می‌تواند راهبرد و سیاست خارجی ایران در عراق را تبیین نماید.

تهدید در دو سطح ۱- خارجی یا غیرعراقی: که از سوی تهاجم نظامی آمریکا و حضور گسترده این کشور در عراق و مرزهای ایران ایجاد شد. تهدید فوق، همراه با سیاست خارجی تهاجمی نومحافظه‌کاران در کاخ سفید و بیان آشکار سیاست تغییر رژیم در ایران و پروژه خاورمیانه جدید بود. مقامات ایران نه تنها نگران بودند، بلکه بعدها در خلال امضاء توافق‌نامه امنیتی آمریکا و عراق در سال ۲۰۰۸ در خصوص حضور نظامی آمریکا در عراق، ملاحظات جدی داشتند و نسبت به این مسأله حساس بودند.

حضور آمریکا در عراق همه مؤلفه‌های تهدید از منظر والت، از جمله قدرت کلی، مجاورت جغرافیایی (حضور نظامی گسترده در عراق)، قدرت تهاجمی و نیت تجاوزکارانه نسبت به ایران را دارا بود. به علاوه مقامات ایرانی برداشتی تهدیدآمیز از تهاجم آمریکا به عراق و حضور گسترده نظامی

در این کشور داشتند. این احساس تهدید باعث شد که ایران از طریق حضور و نفوذ گسترده در سطح سیاست داخلی عراق و کاربست ابزارهای مختلف در پی ایجاد توازن با آمریکا و کاهش نفوذ و نقش آن، در این کشور باشد. دست زدن به توازن نیز، نه با دولت‌های خاصی علیه آمریکا، بلکه با گسترش رابطه با نیروهای سیاسی عراقی نزدیک به خود، تشویق آنها جهت ائتلاف‌های گسترده‌ای برای تشکیل دولت و حمایت از یک دولت دوست در بغداد بود.

در سطح داخلی یا عراقی: تهدیدات امنیتی عراق برای ایران، پیشینه درازی در گذشته داشت. عراق با توجه به قدرت کلی یا همان مجموع منابع، مجاورت جغرافیایی، توان و قدرت اقتصادی و نظامی - تهاجمی و نیت تجاوزکارانه‌ای که همیشه در بین برخی از رهبران و حکومت‌های سابق این کشور نسبت به ایران وجود داشت، همواره منشأ تهدیدهای امنیتی جدی برای ایران بود. که از جمله این تهدیدات می‌توان به اختلافات مرزی، مسأله کردها و تأثیرات آن بر مسأله اقلیت‌های ایران، ادعاهای مقامات مختلف این کشور در خصوص اعراب و خوزستان و حمایت از مخالفان سیاسی ایرانی و گروه‌های سیاسی تجزیه‌طلب، تحریک اعراب منطقه علیه ایران در فرآیند رقابت دو کشور در منطقه خاورمیانه در دوره رژیم پهلوی اشاره کرد.

این چالش‌ها ایران را همواره با مخاطرات زیادی مواجه کرد. در دوران بعد از انقلاب نیز، به شکل حمایت از گروه‌های سیاسی مخالف در اوایل انقلاب و جنگ هشت ساله با ایران، تداوم پیدا کرد. ایران همواره در دوره پهلوی و جمهوری اسلامی از طریق حمایت از اقلیت‌های کرد و شیعه و سیاست موازنه و مهار، سعی در دفع تهدیدات داشت. بعد از اشغال این کشور از سوی آمریکا در سال ۲۰۰۳ و نگرانی‌ها از امکان به قدرت رسیدن عناصر ضد ایرانی در بغداد یا تجزیه این کشور، باعث اتخاذ سیاست‌هایی در قبال عراق شد که قبل از هر چیز در راستای جلوگیری از شکل‌گیری دوباره یک دولت تهدیدگر یا تضعیف تهدیدهایی بوده است که می‌توانستند بر امنیت و تمامیت ارضی ایران تأثیرگذار باشند.

در چارچوب مقابله با تهدیدات بالقوه و بالفعل مذکور، راهبرد اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، حفظ تمامیت ارضی عراق از طریق حمایت از یک دولت دوست و متحد ایران در بغداد بوده است. حمایتی از چنین دولتی، نه تنها می‌توانست به کاهش نفوذ ایالات متحده آمریکا کمک و مانع از طرح‌ها و فشارهای ضد ایرانی این کشور بر علیه ایران، از طریق ایجاد دولتی وابسته گردد، بلکه نگرانی‌های ایران در خصوص حفظ تمامیت ارضی عراق را برطرف می‌ساخت. یک دولت

دوست می‌توانست زمینه‌ساز فصل جدیدی از مناسبات حسنه با جمهوری اسلامی ایران نیز باشد. این سیاست ایران در انتخابات‌های عراق از سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸ به خوبی دنبال شد به طوری که که در انتخابات ۲۰۱۸ علی‌رغم تلاش‌های آمریکا و عربستان پس خروج ترامپ از برجام برای کاهش نفوذ ایران در عراق، باز هم یک دولت دوست و متحد ایران در این کشور سرکار آمد و این امر در شرایط جدید تحریم‌های آمریکا علیه ایران بسیار حائز اهمیت است.

از سوی دیگر، حفظ تمامیت ارضی برای ایران از آنجا حیاتی بود که از سوی استقلال خواهی کردها و افراط‌گرایی اسلامی سنی و ظهور داعش که عملاً عراق را در معرض فروپاشی قرار داد، مورد چالش قرار گرفت. مسأله کردها از این لحاظ حائز اهمیت است که تجزیه عراق و استقلال کردستان می‌توانست بر مسأله کردهای ایران نیز تاثیر مستقیمی بگذارد و سطح مطالبات سیاسی کردها را در ایران افزایش دهد. این روند همچنین می‌توانست به تشدید مسأله قومیت‌ها در ایران کمک کند. ظهور داعش نیز، نه تنها عملاً عراق را در سرایش تجزیه و فروپاشی قرار داد، بلکه به واسطه گرایش‌های شیعه سنی‌زانه، نیات تجاوزگرانه نسبت به ایران، نزدیکی جغرافیایی و قدرت نظامی - تهاجمی، یک چالش عمده‌ای برای ایران و متحدینش در عراق از جمله کردها و شیعیان یا دولت متحد ایران در بغداد ایجاد کرد. علاوه بر این در صورت تحکیم خلافت داعش، کل پروژه ایجاد دولت دوست و متحد ایران در عراق با شکست کامل مواجه می‌شد. ایران در این مسأله از طریق شکل دادن ائتلافی از اقلیم کردستان و دولت عراق دست به ایجاد توازن و مقابله با تهدید مشترک کرد.

ایران در راستای پیشبرد راهبرد سیاست خارجی خود، همواره از ابزارهای ایدئولوژی یکسان - اسلام‌گرایی -، کمک‌های اقتصادی - نظامی و سطح بالای نفوذ و لابی سیاسی از طریق حضور مؤثر در معادلات سیاسی داخلی عراق بهره گرفته است. مقاله حاضر، نه تنها به بحث از نگرانی‌های اولیه ایران در خصوص حضور و نقش آمریکا در این کشور و تلاش جهت رفع تهدیدات خود و کاهش نقش این کشور بر روند تحولات عراق پرداخت، بلکه راهبرد اصلی سیاست خارجی ایران را که مبتنی بر حمایت از یک دولت دوست در بغداد و دفاع از تمامیت ارضی این کشور که پیوند ارگانیکی با امنیت و تمامیت ارضی ایران دارد، با تکیه بر ابزارهای مختلف مورد بحث قرار داد.

پیشنهادات

- ۱- ضرورت رعایت ملاحظات واقع‌گرایانه و عمل‌گرایانه در برخورد با دولت عراق و تمامی نیروهای سیاسی این کشور.
- ۲- حمایت از ائتلاف شیعی- کردی در تشکیل دولت‌های آینده و تقویت نیروهای سیاسی دوست ایران در ائتلاف فوق. تداوم یک دولت دوست و متحد در آینده نیز، وابسته به قدرت این نیروها در عرصه سیاسی عراق دارد.
- ۳- تحکیم مناسبات دوستانه با اقلیم کردستان. این مناسبات بعد از همه‌پرسی کردستان، برای مدتی کوتاه دچار تنش گردید، اما حفظ رابطه دوستانه چه از منظر منافع و امنیت ملی ایران و چه تأثیرگذاری بیشتر ایران در عرصه سیاسی آینده عراق ضرورتی اجتناب‌ناپذیر دارد.
- ۴- ضرورت گسترش رابطه ایران با گرایش‌های منتقد سیاست ایرانی از جمله نیروهای سیاسی مختلف سنی.
- ۵- ضرورت توجه بیشتر به ملاحظات اقتصادی در مناسبات با اقلیم کردستان و عراق و تقلیل دادن رویکردهای امنیتی به مسائل این کشور.
- ۶- اجتناب از مداخلات بی‌رویه و بیان اظهارات نسنجیده پیرامون مسائل عراق از سوی مقامات سیاسی و نظامی ایرانی؛ چراکه برخی از اظهارات تحریک‌آمیز، بارها واکنش مقامات عراقی را برانگیخته است.
- ۷- ضرورت توجه به ظهور گفتمان‌ها و جریان‌های سیاسی جدید و تأثیرگذار در آینده عراق که می‌توان به گفتمان ناسیونالیسم عراقی- شیعی اشاره کرد. این گفتمان بتدریج در حال شکل‌گیری است و می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران چالش‌هایی ایجاد کند. این گفتمان عناصری از عربیت، عراقی بودن و تشیع عراقی را در منظومه فکری خود صورت‌بندی کرده است. امروزه نمایندگان این گفتمان در حوزه سیاسی، جریان سائرون مقتدا صدر است، اما به واسطه نارضایتی‌های مردم از ضعف گفتمان‌های اسلام‌گرا، ناکارآمدی، اقتدارگرایی و فساد اقتصادی بعد از سال ۲۰۰۳، در آینده بیشتر نیروهای سیاسی عراقی به این سمت حرکت می‌کنند.
- ۸- امروز روابط ایران و عراق برغم فشارهای آمریکا و خروج این کشور از برجام از بهترین شرایط در حوزه‌های سیاسی و دیگر بخش‌ها برخوردار است. و اکنون عراق در دوره پساداعش است و حدود ۳۰۰ میلیارد دلار اعتبار برای بازسازی نیاز دارد، با این حال جمهوری اسلامی ایران باید به سمت سرمایه‌گذاری‌ها و تولید مشترک در حوزه‌های مختلف در این کشور گام بردارد.

منابع

الف- منابع فارسی

- آخرین رایزنی‌های مقامات ایران، عراق و ترکیه درباره همه پرسی / مرزهای هوایی ایران و ترکیه به روی کردستان عراق بسته شد / هجوم ساکنان اقلیم به پمپ بنزین‌ها (۱۳۹۶ / ۷ / ۳)، مشرق نیوز، در دسترس است در: <https://www.mashreghnews.ir/news/778565>
- امیر عبداللهیان، حسین (۱۳۸۸)، «موافقتنامه امنیتی بغداد- واشنگتن، رفتارشناسی آمریکای در عراق جدید»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و سوم، شماره ۱.
- بهبود روابط اقتصادی ایران و عراق با لغو روادید سفر روحانی به عراق گره گشا می‌شود؟ (۱۳۹۷/۱۲/۱۴)، خبرگزاری فارس، در دسترس است در: <https://www.farsnews.com/news/13971213000920>
- تیشه بار، ماندانا، ظهیری نژاد، مهناز (۱۳۸۴)، سیاست خارجی عراق: بررسی نقش ژئوپولیتیک عراق در روابط با همسایگان، تهران: نشر ذره.
- جوادی ارجمند، محمد جعفر (۱۳۹۲)، روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران با دول همجوار (۱۳۵۷-۱۳۹۰)، تهران، نشر میزان.
- سرپرست سازمان توسعه صادرات، جزئیاتی از ارزش متوسط کالاهای صادراتی ایران به عراق در سال ۹۷ را تشریح کرد، (۱۳۹۸/۰۱/۱۶)، خبرگزاری تسنیم، در دسترس است در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/01/16/1981261>
- سعید ایروانی، امیر (۱۳۸۷) «رویکرد آمریکا در حوزه تحولات عراق؛ راهبرد ضد ایرانی»، همشهری دیپلماتیک، سال سوم، شماره ۲۴.
- دانایی فر، حسن (۱۳۹۷)، سفیر پیشین ایران در عراق، مصاحبه شخصی توسط نگارنده.
- دهقان، یدالله (۱۳۸۹)، بررسی روابط سیاسی ایران و عراق در دوران ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بیم المللی ابرار معاصر تهران.
- رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نخست وزیر عراق؛ به امریکایی‌ها اعتماد نکنید؛ منتظر

فرصت برای ضربه‌زدن هستند، ۳۰ / ۳ / ۱۳۹۶، در دسترس است در:

<http://www.leader.ir/fa/content/18565>

- غرایق زندی، داوود (۱۳۹۰)، سیاست خارجی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- کاظمی قمی، حسن (۱۳۹۷)، سفیر پیشین ایران در عراق، مصاحبه شخصی توسط نگارنده.

- واکنش ظریف به همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق (۱۳۹۶/۷/۱۰)، خبرگزاری ایرنا، در دسترس است در: <https://www.irna.ir/news/82682223/>

- واکنش صریح ایران به همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق (۱۳۹۶/۶/۲۷)، وب سایت مردم سالاری، در دسترس است در: <http://www.mardomsalari.net/4417>

- یزدان فام، محمود (۱۳۹۰)، چشم انداز مناسبات نظامی - امنیتی عراق و آمریکا، در چشم انداز عراق آینده، بررسی روندهای داخلی و خارجی، به اهتمام غلامرضا خسروی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ب- منابع انگلیسی

- Adelkhah, Nima (2015), Iranian Intervention in Iraq against the Islamic State: Strategy, Tactics and Impact, Terrorism Monitor Volume: 13 Issue: 2, available at: <https://jamestown.org/program/iranian-intervention-in-iraq-against-the-islamic-state-strategy-tactics-and-impact>.
- Alfoneh, Ali (2017), Iran-Backed Popular Mobilization Forces Preparing for Post-Islamic State Iraq, August 3, Middle East institute, available at: <http://www.mei.edu/content/io/iran-backed-popular-mobilization-forces-preparing-post-islamic-state-iraq>.
- Bruno, Alessandro (2015), The Ba'athist Roots of Islamic State, August 31, available at: <https://www.geopoliticalmonitor.com/the-baathist-roots-of-islamic-state/>.
- Esfandiary, Dina and Ariane Tabatabai (2015), Iran's ISIS policy, International Affairs 91: 1, The Royal Institute of International Affairs. Available at: https://www.chathamhouse.org/sites/.../INTA91_1_01_Esfandiary_Tabatabai.pdf.

- Fishman, Brian and Felter, Joseph (2008), Iranian Strategy in Iraq Politics and “Other Means”, October 13, Combating Terrorism Center at West Point. https://fsi-live.s3.us-west-1.amazonaws.com/s3fs-public/Felter_Iranian_Strategy_in_Iraq.pdf
- Gramer, Robbie and Paul Mcleary (2017), Iraqi-Kurdish Clash in Kirkuk Opens Door to More Iranian Influence, October 16, available at: <http://foreignpolicy.com/2017/10/16/iraqi-kurdistan-clash-kirkuk-open-door-to-more-iranian-influence-slows-fight-against-islamic-state-isis-terrorism-middle-east/>
- Geranmayeh, Ellie (2017), Iran's strategy against the Islamic State, ECFR Council, available at: http://www.ecfr.eu/article/commentary_irans_strategy_against_the_islamic_state320
- Hasan al-Qarawee, Harith (2014), Iraq's Sectarian Crisis: A Legacy of Exclusion, April 23, available at: <http://carnegie-mec.org/2014/04/23/iraq-s-sectarian-crisis-legacy-of-exclusion-pub-55372>
- Iran in Iraq: How Much Influence (2005), Middle East Report N°38, 21 March, available at: <https://www.crisisgroup.org/.../Iran/Iran-Iraq-how-much-influence>.
- Kagan, Kimberly (2007), Iran's Proxy War against the United States and the Iraqi Government, Washington, DC: Institute for the Study of War and Weekly Standard, note 7.
- Kamrava, Mehran (2008), The United States and Iran: A Dangerous but Contained Rivalry, Middle East Institute, No. 9.
- Kajjo, Sirwan (2014), The Rise of ISIS, a Golden Opportunity for Iraq's Kurds, available at: <http://carnegieendowment.org/sada/55954>.
- Macdiarmid, Campbell (2017), Masoud Barzani: Why It's Time for Kurdish Independence, available at: <https://foreignpolicy.com/2017/06/15/masoud-barzani-why-its-time-for-kurdish-independence/>.
- Nadimi, Farzin (2017), Iran's Military Options Against Kurdish Independence, available at: <http://www.washingtoninstitute.org/policy>

analysis/view/irans-military-options-against-kurdish-independence

- Readout of Secretary Perry's Visit to Iraq and Kurdistan, energy.gov, (2018/12/11), available at: <https://www.energy.gov/articles/readout-secretary-perry-s-visit-iraq-and-kurdistan>, December 11,2018.
- Roggio, Bill and Caleb Weiss(2015), Iraqi Shiite militia leader says he would overthrow government if ordered by Iran's supreme leader,available at: <https://www.longwarjournal.org/archives/2015/11/us-designated-terrorist-of-iraqi-militia-reportedly-in-aleppo.php>.
- Spyer, jonathan (2017),The Fall of Kirkuk: Made in Iran, October 18, available at: <https://www.the-american-interest.com/2017/10/18/fall-kirkuk-made-iran/>
- WALT, Stephen M. (1985). "Alliance Formation and the Balance of World Power" International Security, Vol.9, No.4, pp.3-43.
- WALT, Stephen M. (1987). The Origins of Alliances, Ithaca, NY: Cornell University Press.
- WALT, Stephen M. (1990). The Origins of Alliances, Ithaca, NY: Cornell University Pres.